



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



۱-۱۵	صفحات	۸	دوره انتشار	۲۸	شماره انتشار	۱۴۰۵	سال انتشار
------	-------	---	-------------	----	--------------	------	------------

فسخ نکاح به علت عیب در قانون مدنی ایران با نگاه به فقه امامیه

خانم کامله افضلی، آقای دکتر ناصر نیکخو امیری و خانم مریم سعیدی

دانشجوی دکترا جامعه المصطفی، گرگان، گلستان واحد خواران.

استادیار جامعه المصطفی العالمیه - نمایندگی گلستان، ایران.

چکیده

فسخ نکاح به علت عیب از نهادهای بنیادین حقوق خانواده است که خاستگاه آن در فقه امامیه قرار داشته و قانون مدنی ایران نیز با اقتباس از مبانی فقهی، آن را به صورت منسجم تنظیم کرده است. این پژوهش با رویکردی فقهی - حقوقی به تحلیل مفهوم عیب، حدود و مصادیق آن و نیز آثار حقوقی مترتب بر فسخ نکاح ناشی از عیب در نظام حقوقی ایران می‌پردازد. اهمیت این بحث از آن روست که وجود عیوب مؤثر جسمی یا روانی در یکی از زوجین می‌تواند فلسفه و کارکردهای اساسی عقد نکاح، از جمله سکون و مودت، ارضای نیازهای مشروع، تولید نسل و حفظ نظم اخلاقی خانواده را مختل ساخته و استمرار عقد را برای طرف دیگر همراه با عسر و ضرر نماید؛ امری که با قواعد مسلم فقهی، به ویژه قاعده «لاضرر و لا ضرار»، ناسازگار است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و مطالعه تطبیقی منابع معتبر فقه امامیه و مقررات قانون مدنی ایران انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که فقه امامیه عیب را به هرگونه نقص یا خللی تعریف می‌کند که فرد را از حالت متعارف و سالم خلقت خارج ساخته و مانع تحقق مقاصد نکاح گردد. این مبنا به طور مستقیم در مواد ۱۱۲۱ تا ۱۱۲۳ قانون مدنی ایران بازتاب یافته و قانون‌گذار با تفکیک عیوب مشترک، عیوب مختص زوج و عیوب مختص زوجه، حق فسخ نکاح را در موارد معین برای هر یک از طرفین پیش‌بینی کرده است. این رویکرد بیانگر تلاش قانون‌گذار در ایجاد توازن حقوقی میان زوجین و حمایت از طرف متضرر در چارچوب موازین شرعی و حقوقی است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که فسخ نکاح به علت عیب، در هر دو نظام فقه امامیه و حقوق مدنی ایران، نهادی مستقل از طلاق محسوب می‌شود که به عنوان حقی یک‌جانبه و بدون لزوم رعایت تشریفات خاص اعمال شده و آثار حقوقی متمایزی از جمله باین بودن انحلال نکاح و احکام خاص مربوط به مهریه را به دنبال دارد. در مجموع، قانون مدنی ایران با الهام از فقه امامیه، فسخ نکاح به علت عیب را در راستای رفع ضرر، تحقق عدالت و صیانت از بنیان خانواده نهادینه کرده است؛ هرچند فقدان تعریف صریح و جامع از مفهوم عیب در حقوق موضوعه، نقش تفسیر قضایی را در انطباق مقررات با شرایط متغیر زندگی زناشویی برجسته و اجتناب‌ناپذیر ساخته است.

واژگان کلیدی: فسخ نکاح، عیب، قانون مدنی ایران، فقه امامیه، حقوق خانواده

طبقه‌بندی: JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم‌شناسی - حقوق بین‌الملل - حقوق خصوصی



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



Dissolution of Marriage Due to a Defect under Iranian Civil Law: A Perspective Based on Imami Jurisprudence

Abstract

Annulment of marriage due to defect is one of the fundamental institutions of family law, whose origin lies in Imamiyyah jurisprudence, and which has been coherently regulated in the Iranian Civil Code through the adoption of jurisprudential foundations. This study, adopting a jurisprudential-legal approach, analyzes the concept of defect, its scope and instances, as well as the legal effects arising from the annulment of marriage due to defect within the Iranian legal system. The importance of this discussion stems from the fact that the existence of effective physical or psychological defects in one of the spouses may disrupt the philosophy and essential functions of the marriage contract—such as tranquility and affection, fulfillment of legitimate needs, procreation, and the preservation of the moral order of the family—and render the continuation of the contract burdensome and harmful for the other party; a situation that is incompatible with established jurisprudential principles, particularly the rule of *la darar wa la dirar* (no harm and no harassment). The present research has been conducted using a descriptive-analytical method and a comparative study of authoritative sources of Imamiyyah jurisprudence and the provisions of the Iranian Civil Code. The findings indicate that Imamiyyah jurisprudence defines defect as any deficiency or flaw that removes a person from the normal and sound state of creation and prevents the realization of the objectives of marriage. This foundation is directly reflected in Articles 1121 to 1123 of the Iranian Civil Code, whereby the legislator, by distinguishing between common defects, defects specific to the husband, and defects specific to the wife, has recognized the right of annulment of marriage for each party in specified cases. This approach demonstrates the legislator's effort to establish legal balance between the spouses and to protect the injured party within the framework of Islamic and legal standards. The results of the study show that annulment of marriage due to defect, in both Imamiyyah jurisprudence and Iranian civil law, constitutes an institution independent of divorce, exercised as a unilateral right without the necessity of observing specific formalities, and entails distinct legal effects, including the irrevocable nature of the dissolution and specific rules concerning dowry. Overall, the Iranian Civil Code, inspired by Imamiyyah jurisprudence, has institutionalized annulment of marriage due to defect in order to eliminate harm, achieve justice, and safeguard the foundations of the family; nevertheless, the absence of an explicit and comprehensive definition of defect in statutory law has rendered judicial interpretation prominent and inevitable in aligning legal rules with the changing realities of marital life.

Keywords: Annulment of marriage, Defect, Iranian Civil Code, Imamiyyah jurisprudence, Family law



متن مقاله

پزشکی، پرسش‌های تازه‌ای را درباره قلمرو عیوب موجب فسخ و میزان انطباق مقررات قانونی با مبانی فقه امامیه مطرح می‌سازد. از این‌رو، بازخوانی و تحلیل تطبیقی مبانی فقهی و مقررات قانون مدنی ایران در زمینه فسخ نکاح به علت عیب، ضرورتی علمی و کاربردی دارد که می‌تواند به تبیین دقیق‌تر حقوق و تکالیف زوجین و ایجاد وحدت رویه در تفسیر و اجرای قانون یاری رساند. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی مبانی نظری و فقهی فسخ نکاح به علت عیب و تحلیل جایگاه آن در قانون مدنی ایران، درصدد است با نگاهی تطبیقی، میزان هماهنگی و هم‌سویی حقوق موضوعه با فقه امامیه را ارزیابی کرده و آثار و پیامدهای حقوقی این نهاد را تبیین نماید. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعه تطبیقی نگاشته شده است. بدین منظور، ابتدا با مراجعه به منابع معتبر فقه امامیه، از جمله آیات، روایات و آرای فقهای برجسته، مبانی نظری و فقهی فسخ نکاح به علت عیب استخراج و تحلیل شده، سپس مقررات مرتبط در قانون مدنی ایران و دیدگاه‌های حقوقدانان مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت، با مقایسه یافته‌های فقهی و حقوقی، تلاش شده است نقاط اشتراک و افتراق دو نظام تبیین و ارزیابی شود.

۲-پیشینه

با توجه به موضوع پژوهش حاضر، "فسخ نکاح به علت عیب در قانون مدنی ایران با تأکید بر فقه امامیه"، در این بخش، منابع مرتبط فقهی، حقوقی و تطبیقی که به این موضوع مرتبط اند، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱- ابن رشد، محمد بن احمد - بدایة المجتهد: این اثر با بررسی آرای

ازدواج به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین نهادهای حقوقی و اجتماعی، نقش بنیادینی در سامان‌دهی روابط انسانی، تحقق آرامش روانی، تأمین نیازهای مشروع، تولید نسل و حفظ نظم اخلاقی جامعه ایفا می‌کند. از این‌رو، حقوق خانواده و فقه اسلامی با نگاهی حمایتی و در عین حال واقع‌بینانه، استمرار عقد نکاح را مشروط به وجود شرایطی دانسته‌اند که تحقق اهداف مزبور را تضمین کند. هرگاه یکی از این شرایط به‌سبب وجود عیب مؤثر جسمی یا روانی در یکی از زوجین از میان برود، ادامه زندگی مشترک ممکن است برای طرف دیگر با عسر، حرج و ضرر همراه گردد؛ وضعیتی که نه با فلسفه نکاح سازگار است و نه با اصول مسلم عدالت و قواعد حاکم بر شریعت اسلامی و حقوق مدنی. در همین چارچوب، فسخ نکاح به علت عیب به‌عنوان نهادی مستقل از طلاق، جایگاه ویژه‌ای در فقه امامیه یافته و قانون مدنی ایران نیز با الهام از مبانی فقهی، مقررات مشخصی را در مواد قانونی به آن اختصاص داده است. فقه امامیه با تعریف عیب به هرگونه نقص یا خللی که فرد را از وضعیت متعارف و سالم خلقت خارج ساخته و مانع تحقق مقاصد نکاح شود، کوشیده است تعادلی میان حفظ بنیان خانواده و حمایت از حقوق طرف متضرر برقرار سازد. قانون‌گذار ایرانی نیز با تفکیک عیوب مشترک، عیوب مختص زوج و عیوب مختص زوجه، حق فسخ نکاح را برای هر یک از طرفین در موارد معین به رسمیت شناخته و بدین‌وسیله، از یک‌سو مانع تحمیل زیان ناروا بر زوجین شده و از سوی دیگر، از فروپاشی بی‌ضابطه نهاد خانواده جلوگیری کرده است. با وجود این، ابهام در مفهوم عیب، تنوع مصادیق آن، تفاوت آثار فسخ با طلاق و نیز پیامدهای مالی و غیرمالی ناشی از فسخ نکاح، از جمله وضعیت مهریه و نفقه، از مباحثی است که همچنان در عرصه نظری و عملی محل بحث و اختلاف نظر است. افزون بر آن، تحول شرایط اجتماعی و پیشرفت‌های



برای ورود به هربحثی ابتدا بایستی چارچوب مفهومی و مبانی نظری آن روشن شود. زیرا فهم دقیق موضوع بدون شناخت پیش فرض های نظری، کامل نخواهد بود.

۳-۱ عیب

«عیب» در لغت به معنای خلل و نقص به کار رفته است. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا» یعنی خواستم آن را دارای عیب سازم؛ عیبی که در کشتی پدید آمد، برداشتن برخی از تخته های آن بود و این امر در حقیقت به معنای ایجاد نقص و خلل است (قرطبی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۳۶).

فقهها در تعریف اصطلاحی «عیب»، از معنای لغوی آن الهام گرفته اند. در کتاب الکلیات تألیف کفوی، عیب چنین تعریف شده است: «عیب، خلل یا نقصی است که در بدن یا عقل انسان وجود داشته باشد و او را از فطرت سالمی که خداوند بر آن آفریده است، خارج سازد (الکفوی، بی تا، ص ۶۵۶)». همچنین در حاشیه رد المحتار آمده است: «عیب، امری است که بر اصل خلقت یا کیفیت و یا بر بدی چیزی که در اصل آفرینش آن وجود دارد، عارض گردد» (ابن عابدین، ۱۴۱۲، ص ۴۹۴). فقیهان امامیه در مشهورترین تعاریف خود، هرگونه فزونی یا کاستی از خلقت اصلی را عیب دانسته اند؛ خواه این فزونی یا کاستی به صورت زایده ای عینی باشد - مانند آنکه یکی از زوجین فاقد انگشتی باشد یا انگشتی زائد داشته باشد - و خواه به صورت صفتی عارضی ظهور یابد، همچون بیماری و تب داشتن یکی از زوجین (شهید ثانی، ۱۴۱۶، ص ۴۷۳).

در حوزه حقوقی، «قانون احوال شخصیه» تعریف صریحی از عیب ارائه نکرده و تفسیر آن را به قاضی واگذار نموده است. با وجود این، در برخی از مواد قانونی، واژگانی هم معنا یا نزدیک به عیب، همچون «علت» یا «مرض»، ذکر شده است؛ هرچند برای آنها نیز تعریف دقیقی ارائه نشده

فقهی مذاهب مختلف اسلامی، می تواند در تحلیل دیدگاه های فقهها پیرامون عیوب موجب فسخ نکاح و شرایط آن مفید باشد.

۲- امام خمینی، روح الله - تحریر الوسیله: این منبع اصلی فقه شیعه امامیه، به مسائل مربوط به نکاح و انحلال آن پرداخته و دیدگاه های فقهی این مذهب در مورد عیوب موجب فسخ را تبیین می کند.

۳- عبدالرحمن جزیری - الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت: این اثر با مقایسه آرای فقهی مذاهب مختلف اسلامی، از جمله مذاهب اهل سنت و فقه امامیه، در زمینه عیوب موجب فسخ، منبع ارزشمندی برای بررسی تطبیقی است.

۴- نجم الدین حلی (محقق حلی) - شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام: به عنوان یکی از منابع بنیادین فقه امامیه، این کتاب به طور مفصل به احکام نکاح و اسباب انحلال آن، از جمله فسخ به علت عیب، پرداخته است.

۵- سید حسن امامی - حقوق مدنی: این منبع معتبر حقوق مدنی ایران، به مباحث مربوط به نکاح و انحلال آن، از جمله موارد فسخ نکاح و عیوب موجب آن، اشاره کرده است.

۶- ناصر کاتوزیان - حقوق خانواده: به عنوان یکی از آثار برجسته در حوزه حقوق خانواده ایران، این کتاب به تحلیل حقوقی موارد فسخ نکاح، از جمله عیوب مصرح در قانون مدنی، می پردازد.

۷- عبدالرسول دیانی - حقوق خانواده: ازدواج و انحلال آن: این اثر به طور خاص به بررسی حقوق خانواده در ایران پرداخته و مواد قانونی مربوط به فسخ نکاح به علت عیب را مورد بحث قرار می دهد.

۸- یدالله بازگیر - قانون مدنی در آرای دیوان عالی کشور: این کتاب با بررسی رویه قضایی ایران در تفسیر

۳- مبانی نظری



ماده ۲۴۴ قانون مدنی ایران آمده است «فسخ به هر لفظ یا فعل که دلالت بر آن نماید، حاصل می شود» در صورت بروز اختلاف طرفین به دادگاه مراجعه می نمایند (گرجی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۹۵).
۴- مبانی نظری فسخ نکاح به علت عیب در قانون ایران و با نگاه به فقه امامیه

ازدواج به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی و شرعی، بر پایه تعهدات متقابل و حقوق و وظایف طرفین شکل می گیرد و استمرار آن منوط به وجود شرایط مشروع و قانونی است. یکی از مباحث کلیدی در حقوق مدنی و فقه اسلامی، فسخ نکاح به علت عیب است که به معنای امکان پایان دادن به عقد ازدواج در صورت وجود نقص یا عیب در یکی از زوجین می باشد. این موضوع نه تنها از دیدگاه فقه اسلامی مورد توجه واقع شده، بلکه در قوانین مدنی کشورهای اسلامی نظیر ایران نیز مقررات مشخصی برای آن پیش بینی شده است.

در فقه اسلامی، شرایط فسخ نکاح به علت عیب، بر اساس قواعد شرعی و موازین اخلاقی و اجتماعی تعیین شده است و شامل مسائلی مانند عیب جسمانی یا روانی، عدم کفایت زوج، ارتداد یا فساد عقد می باشد. این قواعد به نحوی طراحی شده اند که هم حقوق طرفین حفظ شود و هم استمرار و مشروعیت نهاد خانواده تضمین گردد.

بنابراین، در ادامه تلاش می شود، تا مبانی نظری فسخ نکاح به علت عیب با نگاهی تطبیقی به فقه اسلامی و قانون ایران بررسی گردد، به گونه ای که هم وجوه فقهی و هم جنبه های حقوقی آن به طور جامع و علمی تحلیل شود.

۱-۴ مبانی دینی

قاعده «لا ضرر ولا ضرار» که از جمله قاعده های اساسی و مورد قبول تمامی مذاهب و همینطور مذهب امامیه می باشد. تمسک به قاعده «لا ضرر»

است. این ابهام سبب می شود که تفسیر قضایی و انطباق با شرایط هر پرونده ضرورت بیشتری یابد. بنابراین، عیب در اصطلاح فقهی به هرگونه نقص یا خللی اطلاق می شود که سلامت جسمی یا عقلی فرد را مخدوش ساخته و او را از وضعیت طبیعی و سالم آفرینش خارج می سازد؛ در حالی که در حقوق موضوعه، تعریف دقیقی از عیب وجود ندارد و تشخیص و تفسیر آن در عمل به صلاح دید قاضی محول شده است.

۳-۲ ازدواج

ازدواج در لغت به معنای اقتران و جفت شدن آمده است و «زوج الأشیاء تزویجاً و زواجاً»، یعنی چیزهایی را به هم جفت کردن (انیس، بی تا، ص ۲۴۳) فقهای امامیه می گویند: نکاح عبارت برقراری رابطه زناشویی بین زن و مرد می باشد (النجفی، ۱۴۰۴، ص ۵). تعریف های متعددی از عقد نکاح در منابع حقوقی مشاهده می شود. بعضی نوشته اند: «نکاح قراردادی است که به موجب آن زن و مرد در زندگی با یکدیگر شریک شده، خانواده ای تشکیل می دهند». (صفایی و امامی، ۱۳۸۰، ص ۱۳). بعضی دیگر نوشته اند: «نکاح عقدی است که به موجب آن زن و مردی به منظور تشکیل خانواده و شرکت در زندگی با هم متحد می شوند» (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۲۰).

۳-۳ فسخ

فسخ در لغت به معنای نقض و برهم زدن است. گفته می شود: «فسخ البیع» یعنی فروش را نقض و باطل کرد و «فسخ الثوب» یعنی آن را انداختم. «فسخ العقد فسخاً» یعنی عقد را باطل کردم. همچنین گفته شده: «فسخ الشيء» یعنی آن را جدا و از هم جدا ساختن، و «فسخ المفصل عن موضعه» یعنی آن را از جای خود برداشتن. گفته می شود: «فسخ الشيء یفسخه فسخاً» یعنی چیزی را فسخ کردن به معنای نقض و برهم زدن آن است (فسخ در قانون ایران به طور کلی بیان شده است در



را می توان عیوبی دانست که در زن یا مرد وجود دارد که در صورت اثبات این عیوب ، عقد ازدواج قابل فسخ است.

به این ترتیب، قانون ایران، با استناد به مبانی فقهی و حقوقی، فسخ نکاح به علت عیب را به عنوان حق مشروع زوجه به رسمیت شناخته‌اند و هدف اصلی آن را حفظ عدالت، امنیت خانواده و جلوگیری از زیان طرفین تعیین کرده‌اند.

۵- شرایط فسخ به علت عیب در قانون مدنی ایران بانگه به فقه امامیه فقها در خلال بحث‌های خود درباره تفریق و احکام آن، به شرایطی اشاره کرده‌اند که باید برای جواز تفریق به دلیل عیوب وجود داشته باشد. این شرایط به صورت جداگانه و نقطه‌به‌نقطه در کتاب‌های آن‌ها ذکر نشده است، اما می‌توان آنها را از طریق نظرات فقها استخراج کرد. این شرایط به شرح زیر است:

۵-۱ وجود عیب غیرقابل زوال

قانون مدنی ایران که از فقه امامیه گرفته شده است در ماده ۱۱۲۱ آن چنین ذکر گردیده است: مجنون بودن هر کدام از زن و شوهر به گونه دوام دار، برای جانب مقابل آن حق فسخ را می‌دهد. و ماده ۱۱۲۲ این قانون، عیب‌های خصاء؛ عَنّ و قطع بودن آله تناسلی در مردان را موجب حق فسخ برای زنان دانسته است. و در ماده ۱۱۲۳، قَرْن، جذام، إفضاء، بَرَص، زمین‌گیر شدن و کوری از هر دو چشم در زنان، موجب حق فسخ نکاح از طرف مردان بیان گردیده است (محقق داماد، ۱۳۷۲، ص ۳۵۳)

۵-۲ لزوم مراجعه به دادگاه و اثبات عیب

در حقوق ایران، فسخ عقد و از جمله فسخ عقد نکاح نیاز به رسیدگی و حکم دادگاه ندارد بلکه با اعلام اراده دارنده حق فسخ، عقد منفسخ می گردد، دخالت دادگاه می تواند برای تایید وجود حق فسخ مفید باشد و در نتیجه تصمیم دادگاه در این خصوص جنبه اعلامی دارد. و در جهت اجبار

زمانی است که صبر کردن بر عیب یکی از زوجین، برای زوج دیگر ضرر داشته باشد (خویی، ۱۴۱۲، ص ۲۰۹)

علاوه بر این، وجود عیوب در یکی از زوجین که باعث تفریق می‌شود، اهداف ازدواج مانند ارضای شهوت، تولید نسل و حفظ عفت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این عیوب باعث نفرت و اختلافات زناشویی می‌شوند و بنابراین، تفریق به دلیل عیوب با اهداف شریعت اسلامی در رفع ضرر و حفظ مصالح ازدواج هماهنگ است. برخی از این عیوب، مانند جذام، جنون و برص، باعث نفرت می‌شوند و برخی دیگر، مانند رتق و قرن، مانع از رابطه زناشویی می‌شوند.

۴-۲ مبانی حقوقی در قانون مدنی ایران

قانون مدنی ایران به زن حق می‌دهد در صورت وجود عیب در زوج که استمرار زندگی مشترک را دشوار یا مضر می‌کند، درخواست فسخ نکاح نماید. این ماده قانونی نیز بر مبنای حمایت از حقوق طرف آسیب‌دیده و جلوگیری از زیان ناشی از ادامه عقد ناقص یا معیوب تدوین شده است. گر شوهر قدرت انجام عمل جنسی را به سبب عیوبی که دارد مانند خصا وعین بودن که یک بار هم با زنش همبستر نشده باشد و یا آله تناسلی آن قطع شده باشد امکان دارد که زن در این حالات، با رعایت شرایطی، حق فسخ نکاح را داشته باشد (طوسی ۱۳۹۰، ص ۲۴۹) و در مقابل این حالت در زن نیز چنین عیوبی یافته می‌شود. بر مبنای ماده ۱۱۲۳ قانون مدنی ایران، آن عیوبی از زن که موجب فسخ نکاح می‌گردد چنین بیان شده است: افضاء، قرن، جذام، برص، کوری هر دو چشم (ابن بابویه قمی، ، ص ۲۳۵-۲۳۶) بر اساس ماده ۱۱۲۰ قانون مدنی، یکی از راه‌های انحلال عقد ازدواج، فسخ نکاح است که البته با طلاق متفاوت است. به همین دلیل، در قانون مواردی پیش بینی شده است که در صورت وجود داشتن این موارد، زوج یا زوجه بتوانند اقدام به فسخ نکاح کنند. عمده این موارد



(۲۶۳

۶- قلمروی عیوب موجد حق تفریق در فقه و حقوق

مذهب امامیه ده عیب را بر می شمارد یک عیب مشترک میان زن و مرد که است؛ سه عیب ویژه مردان که شامل، عنن، جب و خصاء است و شش عیب ویژه زنان است که عبارتند از: جذام، برص، قرن، افشاء، کوری از هر دو چشم و زمینگیری است (حلی، ۱۴۰۷، ص ۲۱۲)

۱- ۶ عیوب مشترک: «جنون»

در دانش روان پزشکی معاصر، اصطلاح جنون مفهومی گسترده دارد و شامل طیف متنوعی از اختلالات روانی می شود؛ این برداشت علمی با مفهوم سنتی جنون در فقه امامیه و حقوق کلاسیک کاملاً منطبق نیست. از این رو، نمی توان هر اختلال روانی را به سهولت از موجبات فسخ نکاح تلقی کرد. با وجود این، قانون مدنی ایران، جنون هر یک از زوجین را - به شرط استقرار، اعم از ادواری یا اطلاق - از عیوب مشترک و از اسباب فسخ نکاح دانسته است. جنون ممکن است پیش از انعقاد عقد نکاح وجود داشته باشد یا پس از آن حادث شود. قانون گذار میان این دو حالت تفکیک قائل شده و جنون زوج را در هر دو فرض، موجب ایجاد حق فسخ برای زن دانسته است، در حالی که جنون زوجه تنها در صورتی موجب حق فسخ برای مرد خواهد بود که پیش از انعقاد عقد نکاح وجود داشته باشد (امامی، ۱۳۸۹: ۱/۴۶۲).

مبنای فقهی این حکم، روایاتی است که دلالت بر جواز فسخ نکاح به سبب جنون زوج یا زوجه دارند. افزون بر قانون مدنی، قانون امور حسبی نیز پیش بینی کرده است که در صورت لزوم طلاق زوجه مجنون، این امر با پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه، توسط قیم انجام می شود (امامی، ۱۳۸۹: ۱/۴۶۲).

فقه های امامیه تأثیر جنون یکی از زوجین در انحلال نکاح را در دو قالب

طرف به اجراء آثار فسخ به کار می آید. در تحقق فسخ حضور حاکم و رسیدگی دادگاه لازم نمی باشد، زیرا اعمال حق احتیاج به رسیدگی قضایی ندارد...» (امامی ۱۳۵۷، ص ۵۴۵).

این که فسخ عقد و به ویژه فسخ عقد نکاح که در این مقاله، مورد بحث ماست نیاز به رسیدگی و حکم دادگاه ندارد قول مشهور نزدیک به اجماع فقهاء امامیه است، محقق حلی در کتاب شرایع می گوید: مرد و همچنین زن، می تواند بدون مراجعه به حاکم، عقد نکاح را فسخ نماید (البته در صورت وجود موجب فسخ) فقط در موردی که زن به استناد ناتوانی جنسی مرد یعنی عنین بودن او می خواهد نکاح را فسخ نماید باید به دادگاه مراجعه نماید آن هم بدین منظور که از تاریخ مراجعه به دادگاه، دادگاه مدت یک سال ضرب الاجل تعیین کند که اگر در این مدت مرد توان انجام عمل جنسی را پیدا کرد موضوع حق فسخ منتفی است و اگر این توانایی را پیدا نکرد حق فسخ برای زن ثابت است و با انقضای ضرب الاجل تعیین شده از سوی دادگاه زن می تواند مبادرت به فسخ عقد نکاح نماید و برای فسخ نیازی به حکم دادگاه نیست «... و لها التفرد بالفسخ عند انقضائه و تعذر الوطی...» شهید ثانی در شرح بیان محقق می گوید: «چون نصوص دلالت بر این دارد که فسخ حق ثابت برای هر یک از زوجین است در صورت وجود موجبات آن بنابراین، اعمال حق نیازی به حضور حاکم و یا گرفتن اذن از او ندارد و قول مشهور بین فقهاء امامیه همین است (شهید ثانی، ۱۴۱۶ ص ۱۲۷)

از بین فقهاء امامیه ابن جنید اعمال حق فسخ را منوط به حکم حاکم دانسته و شیخ طوسی نیز در کتاب مبسوط، نظرات متفاوت و غیر قطعی ای ابراز نموده گاه اعمال حق فسخ را بدون حکم حاکم جایز ندانسته و گاه گرفتن حکم حاکم را موافق با احتیاط اعلام کرده و گاه اعمال آن را بدون حکم دادگاه تجویز نموده است (طوسی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۹، ۲۵۳،



مشروط بر اینکه حتی یک بار عمل زناشویی انجام نشده باشد، موجب حق فسخ برای زن است. مطابق این حکم، اگر عنن پس از عقد حادث شود ولی هنوز نزدیکی میان زوجین واقع نشده باشد، زن همچنان حق فسخ خواهد داشت.

فقه‌ها در تبیین حکم شرعی عنن به دو دسته روایت استناد کرده‌اند. برخی روایات بدون هیچ قیدی، عنن را موجب ثبوت حق فسخ برای زن دانسته‌اند؛ در حالی که برخی دیگر، تحقق این حق را منوط به مراجعه زن به قاضی و تعیین مهلت یک‌ساله از سوی قاضی کرده‌اند، به گونه‌ای که اگر در این مدت عیب برطرف نشود، زن می‌تواند نکاح را فسخ کند (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۶۲۷؛ مغنیه، ۱۳۷۷: ۳/۳۱۲).

۲-۶-۲ خصاء

خصاء نیز از عیوبی است که موجب حق فسخ برای زن می‌شود. در گذشته، به‌ویژه در قرون اولیه، برخی بردگان خانگی به‌منظور جلوگیری از تعرض به زنان، توسط مالکان خصی می‌شدند. با توجه به اینکه اصل در عقد نکاح، لزوم است و ادله عیب بودن خصاء جنبه استثنایی دارد، لازم است این ادله به‌صورت مضیق تفسیر شوند. از این‌رو، مشهور فقه‌های امامیه خصاء حادث پس از عقد را عیب موجب فسخ نمی‌دانند (مغنیه، ۱۳۷۷: ۳/۶۲۳). قانون مدنی در ماده ۱۱۲۲ خصاء را از عیوب موجب حق فسخ برای زن معرفی کرده است. از منظر فقهی نیز این عیب، در صورت تحقق شرایط، موجب اختیار فسخ برای زن خواهد بود (حسینی عاملی، ۱۴۲۴: ۹۶-۹۷).

اگرچه روایات باب خصاء ناظر به فرض وجود این عیب پیش از عقد هستند، قاعده لاضرر خصاء مقارن عقد را نیز دربر می‌گیرد؛ اما خصاء حادث پس از عقد همانند عیب متأخر در بیع تلقی می‌شود و از آنجا که ضرر عرفاً مستند به عقد نیست، قاعده لاضرر شامل آن نخواهد شد (همان: ۸).

بررسی کرده‌اند: نخست، فسخ نکاح به درخواست یکی از زوجین به علت جنون طرف مقابل؛ و دوم، طلاق زوجه مجنون از سوی ولی قهری یا قیم. آنان مستند جواز فسخ نکاح به سبب جنون را روایات معتبر، اجماع فقه‌های امامیه و قاعده لاضرر می‌دانند (حلی، ۱۴۱۳: ۵۴۱). در خصوص طلاق زوجه مجنون، فقها اقدام ولی قهری را صحیح دانسته و در صورت فقدان ولی، امام یا منصوب از جانب وی را مجاز به طلاق از سوی مجنون تلقی کرده‌اند (خویی، ۱۴۱۲: ۲۹۲).

فقه‌های امامیه بر این باورند که مرد به سبب جنون همسر خود که پس از عقد نکاح عارض شده است، حق فسخ ندارد؛ زیرا امکان طلاق برای او وجود دارد. در مقابل، زن در هر حال، اعم از حدوث جنون شوهر پیش یا پس از عقد، دارای حق فسخ است (مغنیه، ۱۳۷۷: ۳/۱۷۸). در فقه شافعی، نظر غالب آن است که جنون، چه در مرد و چه در زن، و چه پیش از عقد و چه پس از آن یا حتی پس از دخول، موجب حق فسخ برای طرف مقابل است و تعیین مهلت نیز شرط تحقق این حق محسوب نمی‌شود (همان: ۱۸۰).

۲-۶-۲ عیوب مختص زوج

۲-۶-۱ عنن

با توجه به نصوص متعدد فقهی، تردیدی وجود ندارد که عنن از عیوب موجب حق فسخ نکاح برای زن است و در این حکم تفاوتی میان عنن سابق بر عقد یا حادث پس از آن وجود ندارد (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۲/۲۳۰). در فرض عنن پیش از عقد، نیازی به نص خاص نیست؛ زیرا قواعدی همچون لاضرر و تدلیس برای اثبات حق فسخ کفایت می‌کند. اما در فرض عنن حادث پس از عقد، نه قاعده تدلیس قابل اعمال است و نه قاعده لاضرر (همان: ۲۳۱).

قانون مدنی ایران نیز در ماده ۱۱۲۵ مقرر کرده است که عنن در مرد،



(۹۸)

۶-۲-۳ جب

در فقه و قانون مدنی، جب یا مقطوع بودن آلت تناسلی مرد، در صورتی که به اندازه‌ای باشد که امکان انجام عمل زناشویی وجود نداشته باشد، موجب حق فسخ برای زن شناخته شده است. هرچند روایت خاصی در این خصوص وارد نشده است، برخی فقها با تعمیم روایات عنن، جب را نیز مشمول حکم فسخ دانسته‌اند (حلی، ۱۴۱۳: ۲۱۳).

قانون مدنی در ماده ۱۱۲۲، جب را در کنار خصاء از عیوب موجب حق فسخ برای زن دانسته است و در رویکرد قانون‌گذار، تحقق این عیوب باید پیش از عقد بوده و طرف مقابل نسبت به آن جاهل باشد. فقهای امامیه برای اثبات حق فسخ در مورد جب، به دلایلی همچون اولویت عرفی نسبت به عنن - با توجه به امکان درمان عنن و عدم امکان درمان جب - اطلاق روایات عنن و قاعده لاضرر استناد کرده‌اند (صفایی و امامی، ۱۳۸۴: ۲۱۵).

۶-۳ عیوب مختص زوجه

بر اساس ماده ۱۱۲۳ قانون مدنی، برخی عیوب در زن موجب ایجاد حق فسخ برای مرد می‌شود.

۶-۳-۱ قرن

قانون مدنی تعریف مشخصی از قرن ارائه نکرده و فقها نیز در تبیین مفهوم آن اختلاف نظر دارند. در کنار قرن، واژه «عفل» نیز مطرح شده که بسیاری از فقها آن را از مصادیق قرن دانسته‌اند (صانعی، ۱۳۸۶: ۱۲۴). مستندات فقهی و روایات متعددی دلالت بر ایجاد خیار فسخ در صورت وجود این عیب دارند (محقق داماد، ۱۳۸۹: ۳۶۵-۳۶۶).

مبنای حکم در عیب قرن، درمان‌ناپذیر بودن یا دشواری درمان آن است. در صورتی که علم پزشکی بتواند این بیماری را به‌سادگی درمان کند،

مبنای فسخ منتفی خواهد شد (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۶۸۹).

از منظر فقهی، اصل ایجاد خیار در این عیب مورد اتفاق است و اختلاف تنها در تعیین مفهوم آن ناشی از تفاوت تعاریف لغوی است. فقهای امامیه و شافعی در این زمینه دیدگاه مشترکی دارند و صرف ایجاد تنفر را برای تحقق عیب کافی می‌دانند، هرچند مانع کامل مقاربت نباشد (محقق داماد، ۱۳۸۹: ۳۶۶).

۶-۳-۲ افضاء

افضاء از جمله عیوبی است که مطابق ماده ۱۱۲۳ قانون مدنی، در صورت ابتلای زن، برای مرد حق فسخ ایجاد می‌کند. مستند فقهی این حکم، روایاتی است که از ائمه معصومین (ع) نقل شده است (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۲/۳۳۵). افضاء به معنای ارتباط و یکی شدن غیرطبیعی مجرای ادراری و مهبل است که آثار جسمی و زناشویی قابل توجهی به دنبال دارد.

۶-۳-۳ زمین‌گیری (اقعاد)

در سخنان معصومان (ع)، زمین‌گیری از جمله عیوب شمرده شده و در صورتی که زن بدان مبتلا باشد، برای مرد حق فسخ نکاح ایجاد می‌شود. با این حال، در برخی روایات به واژه «زمانت» اشاره شده است که برخی آن را به معنای اقعاد دانسته‌اند، در حالی که این دو مفهوم یکسان نیستند. زمانت مفهومی عام‌تر از اقعاد دارد و اقعاد روشن‌ترین و بارزترین مصداق آن به شمار می‌رود. مقصود از زمانت هر نوع بیماری یا دردی است که فرد را از پای درآورده و خانه‌نشین کند؛ حتی اگر بیمار با مشقت بتواند امور روزمره خود را انجام دهد، باز هم عنوان زمانت بر او صدق می‌کند. بیماری‌هایی مانند ایدز و سرطان نیز، که در مراحل پایانی فرد را از پای درمی‌آورند، در قلمرو زمانت قرار می‌گیرند (فرهودی‌نیا، ۱۳۸۹: ۷۴).

بر اساس مواد ۱۱۲۳ و ۱۱۲۶ قانون مدنی، هرگاه زن در زمان انعقاد عقد نکاح دچار زمین‌گیری باشد، حق فسخ برای زوج ایجاد می‌شود. قانون



باشد، زن حق فسخ نخواهد داشت. مشهور فقهای امامیه و عامه، نابینایی کامل زن را از موجبات فسخ نکاح دانسته‌اند (مغنیه، ۱۳۷۷: ۳/۲۴۸).

در صورتی که دارنده عیب، پیش از اعمال حق فسخ توسط طرف مقابل، عیب خود را درمان کند، این پرسش مطرح می‌شود که آیا حق فسخ همچنان باقی است یا خیر. برخی معتقدند با تحقق عیب، حق فسخ ایجاد شده و بقای آن با استصحاب قابل توجیه است؛ اما به نظر برخی حقوقدانان، با از بین رفتن منشأ ضرر، اختیار نیز زائل می‌شود و با رفع ضرر، استمرار زندگی زناشویی ممکن بوده و مبنای حقوقی برای بقای اختیار وجود نخواهد داشت (مهرپور، ۱۳۹۲: ۲۸۹).

فسخ نکاح از طریق اعلام اراده صاحب حق و معمولاً با ارسال اظهارنامه‌ای مبنی بر وجود عیب و قصد فسخ تحقق می‌یابد. در صورتی که طرف مقابل وجود عیب را انکار کند، خواهان می‌تواند با تقدیم دادخواست، موضوع را از دادگاه مطالبه کند. چنانچه دادگاه دلایل ارائه‌شده را موجه تشخیص دهد، با صدور حکم اعلامی، فسخ نکاح را از تاریخ اظهارنامه محقق می‌داند. حتی در فرضی که طرف مقابل وجود عیب را بپذیرد، برای ثبت فسخ نکاح در شناسنامه و دفاتر رسمی، مراجعه به دادگاه ضروری است. مطابق ماده ۳۳ قانون ثبت احوال، فسخ نکاح باید در دفاتر ثبت وقایع درج شود، هرچند تصریحی بر ثبت آن در شناسنامه وجود ندارد. با این حال، بند ۶ ماده ۱ قانون ثبت ازدواج و طلاق، ثبت تحولات مربوط به نکاح را از وظایف سازمان ثبت احوال دانسته و بر این اساس، ثبت فسخ نکاح در شناسنامه نیز ضروری تلقی می‌شود. قانون ثبت احوال در خصوص لزوم حکم دادگاه برای ثبت فسخ سکوت کرده است، اما به نظر می‌رسد با استناد به ماده ۳۲ همان قانون، اقرارنامه رسمی طرفین می‌تواند برای ثبت فسخ کافی باشد (همان: ۲۹۰).

۷- آثار فسخ نکاح به علت عیب در قانون مدنی ایران بانگاه به فقه امامیه

مدنی میان زمین‌گیری موقت و دائم تفکیکی قائل نشده است؛ بنابراین، حتی در صورتی که زن هنگام عقد دچار زمین‌گیری موقت باشد نیز مرد دارای حق فسخ خواهد بود (همان: ۷۵).

فقها در اینکه زمین‌گیری از عیوب مختص زن محسوب می‌شود و موجب حق فسخ برای مرد است، اتفاق نظر دارند. فقهای امامیه و شافعی تصریح کرده‌اند که هرگاه کوری یا لنگی آشکار پیش از عقد در زن وجود داشته و مرد از آن بی‌اطلاع باشد، می‌تواند عقد را فسخ کند؛ اما اگر یکی از این عیوب در مرد باشد، زن حق فسخ نخواهد داشت (مغنیه، ۱۳۷۷: ۳/۲۴۹). به نظر می‌رسد هر یک از بیماری‌های مختص یا مشترک میان زن و مرد، چنانچه امکان درمان آن‌ها وجود داشته و درمان نیز آثار منفی و نامطلوبی به همراه نداشته باشد، وجود آن بیماری در حکم عدم آن بوده و موجب ایجاد حق فسخ نخواهد شد. تأکید فقها بر این عیوب، ناظر به شرایط تاریخی گذشته است که امکان درمان جراحی آن‌ها وجود نداشته است (همان).

موضوع مورد اختلاف میان فقها، لنگی زن است. برخی فقها لنگی را، حتی اگر به حد زمین‌گیری نرسد، از موجبات فسخ نکاح دانسته‌اند (حسنی، ۱۳۹۲: ۳). گروهی دیگر تنها لنگی فاحش را موجب حق فسخ می‌دانند، هرچند به حد اقعدا نرسد (همان). در مقابل، فقهای همچون ابن‌البراج، علامه حلی و محقق حلی معتقدند که اگر لنگی به حد زمین‌گیری مطلق نرسد، موجب خیار فسخ نخواهد بود. با این حال، به نظر می‌رسد پذیرش لنگی فاحش به عنوان یکی از موجبات فسخ نکاح، با اصول و قواعد فقهی و حقوقی سازگارتر باشد (همان: ۴).

۴-۶ نابینایی از هر دو چشم

چنانچه نابینایی کامل زن پیش از عقد وجود داشته و مرد نسبت به آن جاهل باشد، حق فسخ برای مرد ثابت خواهد بود؛ اما اگر نابینایی در مرد



۷-۳ دارندۀ حق تفریق

نظر فقهای امامیه بر این است که در صورت وجود عیب موجب فسخ هر یک از زوجین، حق دارد تا نکاح جانب دیگر را فسخ نماید و زوجین هردو در این حق مساوی می-باشند (نجفی، ۱۴۰۴ ص ۳۱۹) استناد آنها به حدیثی از رسول خدا (ص) است که فرمودند: «از جذامی فرار کن، همان طور که از شیر فرار می-کنی»

توضیح استدلال: اگر یکی از زوجین دچار جذام باشد، طرف دیگر حق فرار از او را دارد. بنابراین، زن می-تواند درخواست تفریق کند اگر شوهرش دچار جذام باشد و شوهر نیز می-تواند درخواست تفریق کند اگر زنش دچار جذام باشد.

آنچه در مورد حق زن برای فسخ نکاح به دلیل عیوب شوهر گفته می-شود، باید در مورد حق شوهر نیز گفته شود. همان طور که اهداف ازدواج مانند تولید نسل و ارضای شهوت با وجود عیوبی مانند جب یا عنن در شوهر تحقق نمی-یابد، در صورت وجود عیوبی مانند رتق یا قرن در زن نیز این اهداف محقق نمی-شود. حق شوهر در طلاق، حق او در فسخ نکاح را نفی نمی-کند. اگر شوهر حق فسخ داشته باشد، می-تواند بدون پرداخت مهریه (در صورت عدم دخول) از نکاح خارج شود. از آنجا که شوهر حق طلاق را دارد، دلیلی وجود ندارد که حق فسخ به دلیل عیوب یا هر دلیل دیگری از او سلب شود. زوجین هر دو طرف عقد ازدواج هستند و باید در حق تفریق به دلیل عیوب برابر باشند.

قانون مدنی ایران نیز با الهام از فقه امامیه، به طور شفاف و نظاممند موضوع عیوب موجب فسخ نکاح را تبیین کرده و این حق را برای هر دو طرف در نظر گرفته است. به موجب ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی، در صورتی که شوهر مبتلا به خصاء، عنن (به شرط آنکه حتی یک بار نیز عمل زناشویی انجام نداده باشد) یا مقطوع بودن آلت تناسلی به اندازه‌ای باشد

در ادامه آثار و پیامدهای حقوقی فسخ نکاح به سبب عیب در دو نظام حقوقی ایران بررسی می-شود. همچنین با توجه به اینکه این نظام حقوقی ریشه در منابع فقهی دارد، مطالعه تطبیقی میان قانون مدنی و فقه اسلامی می-تواند نشان دهد که تا چه حد میان نظریات فقهی و مقررات قانونی هماهنگی وجود دارد یا تفاوت‌های قابل توجهی به چشم می-خورد.

۷-۱ انحلال ازدواج

یکی از مسائل مرتبط با احکام تفریق به دلیل عیوب، چه از نظر قانونی و چه از نظر فقهی، این است که نوع جدایی که بین زوجین به دلیل عیوب رخ می-دهد، چیست؟ آیا این جدایی به صورت فسخ است یا طلاق؟ این مسأله دارای احکام متفاوتی است، زیرا نوع جدایی (فسخ یا طلاق) تأثیرات حقوقی مختلفی دارد.

۷-۲ دیدگاه قانون مدنی ایران

جدایی میان زوجین به دلیل عیوب، از نوع طلاق بائن است؛ چنان که ماده ۱۱۲۰ قانون مدنی ایران مقرر می-دارد: «عقد نکاح به فسخ یا به طلاق یا به بذل مدت در عقد انقطاع منحل می-شود»

فسخ نکاح زمانی مطرح می-شود که یکی از زوجین به دلیل وجود عیب یا تدلیس (فریب در ازدواج) حق فسخ داشته باشد. برای فسخ، تشریفات ویژه طلاق مانند جاری کردن صیغه خاص یا حضور شهود لازم نیست. فسخ همواره در حکم طلاق بائن است؛ بدین معنا که پس از فسخ، امکان رجوع وجود ندارد (محقق داماد، ۱۳۷۲ ص ۳۴۵).

فسخ نکاح کاری یک طرفه است. در واقع، دارندۀ حق فسخ برای این کار برخلاف طلاق، ملزم به رعایت تشریفات خاصی نیست و فسخ نکاح یا باطل کردن عقد دائم طبق قانون فقط با گفتن لفظ یا انجام عملی که بر آن دلالت داشته باشد، اتفاق می-افتد، ولی ثبت آن پس از صدور حکم فسخ نکاح از سوی دادگاه الزامی است



به دلیل وجود عیب در مرد باشد، زن مستحق نصف مهریه خواهد بود؛ زیرا جدایی قبل از دخول تنها نیمی از حق مهر را ایجاد می‌کند، مشابه حکم طلاق قبل از دخول است اگر فسخ نکاح پس از وقوع نزدیکی و به دلیل هر نوع عیب، چه در زن و چه در مرد، صورت گیرد، زن مستحق تمام مهریه تعیین شده است، زیرا با وقوع دخول مهریه به طور کامل بر ذمه شوهر واجب شده و فسخ بعدی آن را از بین نمی‌برد.

در فقه امامیه، شوهر این حق را دارد که اگر عیب از جانب زن بوده و او قبل از عقد از آن بی‌اطلاع بوده است، پس از پرداخت مهریه به زن، مبلغ پرداختی را به عنوان غرامت از کسی که عیب را پنهان کرده یا اطلاع داده است، باز پس گیرد.

۷-۵ وضعیت مهریه از نظر حقوق ایران

مهریه فسخ نکاح یا باطل کردن عقد دائم به این صورت است که اگر قبل از شروع زندگی زناشویی فسخ انجام شود، زن مهریه ای نمی‌گیرد و در غیر این صورت، مهریه به زن تعلق می‌گیرد، مگر این که مرد به خاطر تدلیس زن، ازدواج را فسخ کرده باشد. در واقع، اگر زن فریبکاری یا تدلیس کرده باشد و شوهر هم به همین دلیل، ازدواج را فسخ کند، زن مهریه ای دریافت نخواهد کرد. مطابق مواد ۱۰۹۵ و ۱۰۹۸ قانون مدنی هم این گونه بیان شده است که چنانچه ازدواج، اعم از دائم یا موقت باطل باشد و نزدیکی هم بین زوجین واقع نشده باشد، زن حقی بر مهریه ندارد و اگر مهریه را از شوهر گرفته باشد، شوهر می‌تواند آن را از زن پس بگیرد.

هرگاه عقد نکاح دائم قبل از نزدیکی به جهتی فسخ شود، طبق ماده ۱۱۰۱ قانون، زن حقی بر مهریه ندارد، مگر در صورتی که علت فسخ، عنن (ناتوانی جنسی مرد) باشد که در این صورت، با وجود فسخ نکاح، زن مستحق نصف مهریه خواهد بود. اما در مورد پرداخت نفقه از جانب

که امکان مقاربت نداشته باشد، زن حق فسخ خواهد داشت. همچنین مطابق ماده ۱۱۲۳ قانون مدنی، چنانچه زن مبتلا به قرن، جذام، برص، افضاء، زمین‌گیری یا نابینایی از هر دو چشم باشد، شوهر می‌تواند نکاح را فسخ کند.

قانون مدنی ایران با پیش‌بینی متقابل این حق برای زوجین، توازن و تعادل حقوقی میان آن‌ها برقرار ساخته است. بر اساس این مقررات، اگر زن دچار عیوبی نظیر جنون، برص، جذام، افضاء، قرن یا رتق باشد، شوهر حق فسخ نکاح را خواهد داشت و در مقابل، اگر شوهر مبتلا به عنن، خصاء، فقدان آلت تناسلی یا جنون باشد، زن نیز حق فسخ نکاح خواهد داشت (محقق داماد، ۱۳۷۲ ص ۱۵۸).

۷-۴ وضعیت مهریه در فسخ نکاح

فقه‌های امامیه درباره مهریه پس از فسخ نکاح به دلیل عیب چنین بیان می‌کنند: اگر عیب در زن باشد و فسخ توسط شوهر قبل از دخول انجام شود، زن مستحق هیچ مهریه‌ای نیست زیرا هنوز دخول رخ نداده و تعهد مهریه ایجاد نشده است. اگر عیب در زن باشد و فسخ پس از وقوع نزدیکی باشد، زن مستحق تمام مهر تعیین شده است، زیرا مهریه بر ذمه شوهر ثابت شده و فسخ بعدی آن را از بین نمی‌برد. اگر زن خودش نکاح را قبل از دخول فسخ کند، مهریه برای او ثابت نیست، زیرا دخول رخ نداده و او اقدام به فسخ کرده است. اگر زن نکاح را پس از دخول فسخ کند، مهریه به طور کامل بر ذمه شوهر باقی می‌ماند.

[typeinfo=۲&catid=۲۰۹۳۳&pageindex=۸۴&mid=۷۷۵&۰](http://www.jaml.ir/typeinfo=۲&catid=۲۰۹۳۳&pageindex=۸۴&mid=۷۷۵&۰)

(۸۶)

اگر فسخ نکاح قبل از وقوع نزدیکی و به دلیل وجود عیب در زن باشد، زن مستحق هیچ مهریه‌ای نیست، زیرا مهریه در مقابل تمکین است و با فسخ نکاح این تعهد از بین می‌رود. از سوی دیگر، اگر فسخ قبل از دخول



سالم، کوشیده است میان اصل استحکام نکاح و ضرورت رفع ضرر و حرج از زوجین تعادل برقرار سازد. این رویکرد، مبتنی بر قواعد عام فقهی به‌ویژه قاعده «لاضرر و لاضرار» و اصل عدالت است و بیانگر آن است که استمرار عقد نکاح، در صورت زوال کارکردهای اساسی آن، فاقد توجیه شرعی و عقلایی خواهد بود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قانون مدنی ایران با اقتباس مستقیم از مبانی فقه امامیه، نهاد فسخ نکاح به علت عیب را به‌صورت منسجم در مواد ۱۱۲۱ تا ۱۱۲۳ و سایر مقررات مرتبط تنظیم کرده و با تفکیک عیوب مشترک، عیوب مختص زوج و عیوب مختص زوجه، چارچوبی نسبتاً روشن برای اعمال این حق فراهم آورده است. تمایز فسخ از طلاق، یک‌جانبه بودن اعمال آن، عدم نیاز به تشریفات خاص و آثار حقوقی ویژه‌ای همچون بائن بودن انحلال نکاح و احکام خاص مربوط به مهریه، همگی نشان‌دهنده ماهیت مستقل و کارکرد متمایز این نهاد در حقوق خانواده است. با این حال، فقدان تعریف صریح و جامع از مفهوم «عیب» در قانون مدنی و بسنده کردن به احصای مصادیق، موجب شده است که تشخیص شمول یا عدم شمول برخی نواقص نوپدید، به‌ویژه در پرتو تحولات پزشکی و روان‌پزشکی، به تفسیر قضایی واگذار شود. این امر، هرچند انعطاف‌پذیری حقوقی را افزایش می‌دهد، در عین حال می‌تواند زمینه‌ساز اختلاف رویه و ناهمسانی در تصمیمات قضایی گردد. از این‌رو، به نظر می‌رسد بازاندیشی در مفهوم عیب، با حفظ چارچوب‌های فقه امامیه و توجه به مقتضیات زمان، می‌تواند به شفافیت بیشتر مقررات و تقویت امنیت حقوقی زوجین بینجامد. در مجموع، فسخ نکاح به علت عیب در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران نهادی است که در خدمت تحقق عدالت، رفع ضرر، و صیانت از بنیان خانواده قرار دارد. کارآمدی این نهاد زمانی به‌طور کامل محقق خواهد شد که تفسیر و اجرای آن، ضمن پایبندی به مبانی فقهی، با رویکردی پویا و متناسب با تحولات اجتماعی و علمی

شوهر به زن چون تا زمانی که نکاح دائم فسخ یا باطل نشده است، تکالیف قانونی هم بر عهده زوجین وجود دارد. در ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی آمده است که در عقد نکاح دائم نفقه زن بر عهده شوهر است تا زمان فسخ، پس زوجه حق مطالبه نفقه را از شوهر تا زمان فسخ نکاح دارد (محمدجواد، ۱۴، ص ۱۱۷).

نتیجه‌گیری

بررسی فقهی - حقوقی فسخ نکاح به علت عیب نشان می‌دهد که این نهاد، برخلاف تصور تقلیل‌گرایانه‌ای که آن را صرفاً ابزاری برای انحلال عقد می‌داند، کارکردی حمایتی و تنظیم‌گر در نظام حقوق خانواده دارد. فقه امامیه با شناسایی عیوب مؤثر جسمی و روانی و اعطای حق فسخ به طرف



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی جهان و دانشگاه
Scientific Information Database

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



ESJI
Eurasian Scientific Journal Index
www.ESJIndex.org



Academic
Resource
Index
ResearchBib



Academia.edu
share research



صورت گیرد؛ امری که می‌تواند تعادل میان حفظ نهاد خانواده و حمایت مؤثر از حقوق فردی زوجین را به نحو مطلوب‌تری تضمین نماید.



منابع

۱۲. گرجی، ابوالقاسم و همکاران، بررسی تطبیقی حقوق خانواده، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۲ ش.
۱۳. محقق داماد، سید مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن، ج ۳، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب، ۱۳۹۰ ش.
۱۵. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. مغنیه، محمد جواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، ترجمه کاظم پور جوادی، مؤسسه الصادق، چاپ سوم، قم، ۱۳۷۷.
۱۷. حرعاملی، محمد حسن، وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، دار احیاء اثار العربی، بیروت، ۱۴۱۴.
- مقالات
۱۸. فرهودی نیا، حسن، جزوه درسی حقوق خانواده دوره کارشناسی دانشگاه تبریز، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه حقوق، ۱۳۸۹.
۱۹. حسنی، علیرضا، بررسی عویب مختص زن در فسخ نکاح در فقه امامیه و حقوق ایران، سایت کانون وکلای دادگستری استان اصفهان.
۲۰. مهرپور، حسین، ۱۳۰۲، مباحثی از حقوق زن از منظر حقوق داخلی، مبانی فقهی و موازین بین المللی، انتشارات اطلاعات، چاپ پنجم.
- قوانین
۲۱. قانون مدنی ایران.

۱. قرآن کریم
۲. خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، نجف: مطبعة الآداب، ۱۴۲۷ ق.
۳. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۷ ش.
۴. حلی، جمال الدین احمد بن محمد، المختصر النافع، قم: مؤسسه البعثه، ۱۴۰۷ ق.
۵. خویی، سید أبو القاسم، منهاج الصالحین، قم: مدینه العلم، ۱۴۱۲ ق.
۶. شمس الدین مطلق، محمد جواد، تأثیر انحلال نکاح بر مهریه، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه قم، ۱۳۹۱ ش.
۷. صفایی، سید حسن و امامی، اسدالله، حقوق خانواده، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ ش.
۸. الطوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام، ج ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۹۰ ق.
۹. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران: المكتبة المرتضویة، ۱۳۸۷ ق.
۱۰. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (خانواده)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۷ ش.
۱۱. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶ ش.